کووید-۱۹، زنجیره ارزش و دورنمای تجارت جهانی



پنلوپه گلدبرگ
اقتصاددان ارشد سابق بانک جهانی و استاد دانشگاه ییل



منصور عسگری
هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

«پنلوپه گلدبرگ» جزو موج جدید بانوان اقتصاددانی است که اخیرا مراکز مهمی اقتصاد جهانی مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و خزانه‌داری آمریکا را قبضه کرده‌اند. بانوی اقتصاددان یونانی-آمریکایی، که طی سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ اقتصاددان ارشد بانک جهانی بود و اخیرا جای خود را به بانوی دیگر «کارمن راینارت» سپرد. پنلوپه در یونان و آلمان اقتصاد خوانده و دکترای اقتصاد خود را در ۱۹۹۲ از دانشگاه استنفورد آمریکا گرفته است. تا سال ۱۹۹۹ در دانشگاه کلمبیا و بعد از آن تا سال ۲۰۱۰ در دانشگاه پرینستون تدریس کرده و در حال حاضر بیش از یک دهه است که کرسی اقتصاد دانشگاه ییل را در اختیار دارد. او نخستین بانویی است که به مقام سردبیری مجله مهم بررسی اقتصاد آمریکا[1] رسیده است. ایشان در ۲۹ فروردین ۱۳۹۹ سخنرانی مهمی با عنوان «اثرات کووید-۱۹ بر زنجیره ارزش و آینده تجارت جهانی» در وبینار دانشگاه پرینستون داشتند که قسمت‌های مهم آن توسط پژوهشگر ارجمند اقتصادی، جناب منصور عسگری ترجمه و تلخیص شده است. منصور عسگری دانش‌آموخته مقطع دکترا از دانشگاه اصفهان در گرایش‌های اقتصاد پولی و اقتصاد بین‌الملل هستند. از نظرات ایشان در این شماره، در قسمت نقد کتاب نیز بهره برده‌ایم.

اثرات کووید-۱۹ بر زنجیره ارزش و آینده تجارت جهانی

زنجیره ارزش جهانی همواره تحت تاثیر تکانه‌های مختلفی است و هر چه شدت سرمایه‌بری، سطح تحقیق و توسعه و جنبه فناورانه یک کالا در زنجیره بالاتر باشد، حِدّت اثرپذیری زنجیره ارزش آن از تکانه‌ها بیشتر خواهد بود و البته که هر تکانه‌ای صنعت و بنگاه خاصی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. یکی از تکانه‌های مهم وضعیت فعلی جهان شوک ناشی از بیماری کووید- ۱۹ است. در اثر بحران کووید-۱۹ تقاضا برای مسافرت و گردشگری و کالاهای غیرضروری به شدت کاهش یافته و تجارت جهانی کالاها و خدمات از این موضوع دست‌خوش تغییرات اساسی و زیان‌های زیاد شده است. مطالعات نشان می‌دهد بیشترین تاثیرپذیری از این بیماری به ترتیب در فعالیت‌های پوشاک، مبلمان، فرآوردهای نفتی، تجهیزات حمل و نقل، خودرو، نساجی، ماشین‌آلات و تجهیزات، محصولات چوبی، تجهیزات ارتباطی، کشاورزی، مواد غذایی و لوازم پزشکی است.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت این بیماری یک بیماری فراگیر است که از مرز کشورها عبور و همه را درگیر می‌کند و ارتباطی تنگاتنگ با جابجایی «کالا» و «مردم» از طریق مرزها دارد که به ترتیب به این دو پدیده تجارت و مهاجرت می‌گوییم. در اینجا من به قسمت تجارت این پدیده و از بین حوزه‌های مختلف

اثرپذیری تجارت جهانی، با زنجیره ارزش کار دارم. ارتباط تجارت با کووید را می‌توان حداقل در پنج فاز ۱. انتقال، ۲. مدیریت بحران، ۳. بازیابی، ۴. اثرات کوتاه‌مدت و ۵. اثرات بلندمدت (تغییر در نگرش‌ها و سیاست‌های آینده) جستجو نمود. به نظر من کووید-۱۹ دارای اثرات مهمی بر زنجیره ارزش جهانی است که از فاز مدیریت بحران شروع می‌شود و تا اثرات بلندمدت ادامه می‌یابد، به همین دلیل به مبحث زنجیره به طور ویژه نگاه کرده‌ام.

تقسیم تولید به صورت تخصصی و فوق‌تخصصی و جنس روابط شرکت با شرکت دو ویژگی مهم زنجیره ارزش جهانی است که کووید-۱۹ به‌طور همزمان هر دو را تحت تاثیر قرار داده است. روشن‌تر آنکه هر چه یک صنعت از ارتباط بیشتری برخوردار باشد، بیشتر در معرض آسیب‌پذیری از کووید-۱۹ است. شرکت‌هایی که که بیش از ۷۰ درصد تجارت جهانی را تشکیل می‌دهند امروز به شدت از کووید آسیب دیده‌اند. دقیق‌تر آنکه، شیوع ویروس در مراکز صنعتی بزرگ در بخش‌های خودرو، الکترونیک و داروسازی در ووهان چین، وجود بیش از ۸۵ درصد مبتلایان در شهر صنعتی گومی در کره جنوبی، وسعت کرونا در کارخانه‌های شهرهای استوکدورف و بایرن در آلمان که با شانگهای در ارتباط بوده‌اند، توسعه آن در مراکز اصلی صنعتی ایتالیا و منطقه دیترویت آمریکا همگی نشان می‌دهد که بین انتقال کووید-۱۹ و سطح صنعتی بودن و میزان مشارکت در زنجیره ارزش جهانی ارتباطی مثبت وجود دارد. به واقع، در زنجیره ارزش جهانی وجود ارتباطات زیاد، با گسترش بیشتر گسترش کووید-۱۹ همراه بوده است.

برای اثرگذاری زنجیره ارزش جهانی بر انتشار کووید-۱۹ کافی است تولید ماسک‌های N۹۵ و دستگاه‌های تنفس مصنوعی۲ را در نظر بگیریم. با توسعه زنجیره ارزش جهانی ۱. به دلیل برون سپاری، هیچ ظرفیت داخلی برای تأمین تقاضای بیشتر وجود ندارد، ۲. محدودیت‌های صادراتی توسط کشورهای دیگر، عرضه جهانی این کالاها را محدود کرده، ۳. عدم تمایل شرکت‌های چندملیتی به رعایت محدودیت‌های صادراتی به ویژه محدودیت‌های آمریکا و ۴. ضرورت تأمین قطعات و مواد اولیه از چندین کشور، همگی از پیامدهای توسعه این زنجیره است که افزایش سریع تولید این دو کالا را دشوار اما نه غیرممکن

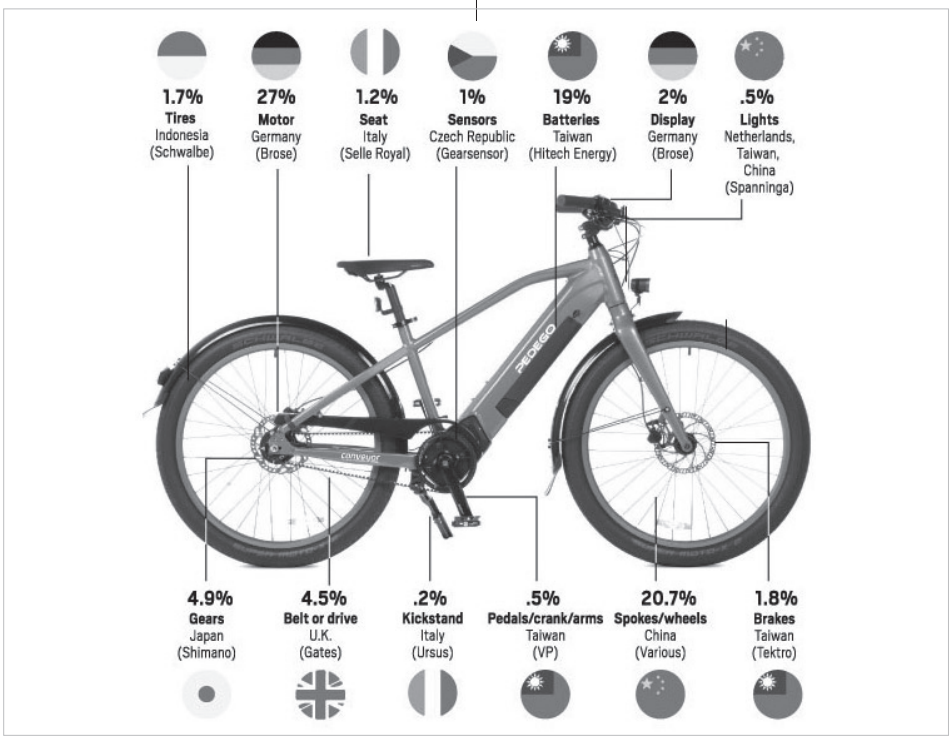

زمانی که تکانه‌های برون‌زا ارتباطی با هم نداشته باشند، تنوع مبادی تامین انعطاف‌پذیری زنجیره را افزایش می‌دهد و به رفع اثرات منفی تکانه کمک زیادی می‌کند. این ویژگی زنجیره در شرایط اپیدمی‌ها که تکانه در کشورهای مختلف از یک جنس و به هم مرتبط است، کاربرد کمتری دارد.

ساخته است. لذا می‌توانیم چنین ادعا کنیم که تعمیق زنجیره ارزش جهانی عامل کمبود کالاهای حیاتی و کمبود جهانی آنها شده اقتصاد است.

باید توجه داشت که همواره حقایق با ادعاها سازگار نیستند. مثلا چین در بیشتر موارد کمبودهای جهانی را برطرف می‌کند. این کشور ۱۲ برابر نیاز پیش از کووید-۱۹ خود، ماسک تولید کرد. ضمن اینکه رفتار کشورها منطبق با قوانین سازمان جهانی تجارت است که اگرچه محدودیت‌های صادرات ممنوع می‌کند اما محصولات حیاتی را از این قاعده مستثنا می‌کند. از منظر اخلاقی نیز، این رفتار در موارد اضطرار ملی قابل قبول به نظر می‌رسد. مهم‌تر اینکه شرکت‌های چندملیتی این رفتار را هوشمندانه نمی‌بینند چراکه زمینه بروز رفتارهای تلافی‌جویانه در زنجیره ارزش جهانی را فراهم می‌آورد که به سود آنها نیست. این‌های واقعیت‌هایی است که فرضیه کارکرد منفی تعمیق زنجیره ارزش جهانی در شرایط کووید-۱۹ را زیر سوال می‌برند. مبتنی بر این واقعیت‌ها، نظریه‌های رقیبی نیز در علم اقتصاد برای توضیح فرضیه‌های رقیب دیگر مطرح شده است.

ابتدا اینکه رقابت برای تامین کالاهای حیاتی در سطح محلی و نه جهانی بوده است. مثلا بیمارستان‌های مختلف در آمریکا و دولت‌های ایالتی مختلف با هم در رقابت بوده‌اند و نه بین آمریکا و دیگر کشورها برای تامین این کالاها رقابتی در سطح جهانی به طور جدی ایجاد نمی‌شود. علاوه بر این، حتی با وجود تسهیل شیوع همه‌گیری، متنوع‌سازی تامین نهادهای تولید اقلام حیاتی از چند کشور، در شرایط اپیدمی یا دیگر تکانه‌ها، عامل منفی نیست بلکه می‌تواند کمک‌کننده باشد. زمانی که تکانه‌های برون‌زا ارتباطی با هم نداشته باشند، تنوع مبادی تامین انعطاف‌پذیری زنجیره را افزایش می‌دهد و به رفع اثرات منفی تکانه کمک زیادی می‌کند. این ویژگی زنجیره در شرایط اپیدمی‌ها که تکانه در کشورهای مختلف از یک جنس و به هم مرتبط است، کاربرد کمتری دارد.

محدودیت‌های صادراتی قانونی اقلام حیاتی مرتبط با سلامت که مطابق با ضوابط سازمان تجارت جهانی نیز هست، نشان می‌دهد که در شرایط تکانه، تا چه میزان به تدبیر سازوکاری جهت هماهنگی بیشتر جهانی نیاز داریم. به تدریج این واقعیت دارد روشن می‌شود که سازمان بهداشت جهانی مرجع جهانی مناسبی برای هماهنگی بیشتر و تخصیص بهتر محصولات حیاتی (کالاهای مرتبط با سلامت، دارو و واکسن) نیست. تفسیر اقتصادی پدیده «مخاطرات اخلاقی» در اینجا ملموس‌تر حس می‌شود که زمینه از بین رفتن تدابیر همکاری در حین بحران را فراهم می‌آورد. بر این اساس سازوکارهای همکاری باید پیش از وقوع تکانه‌ها تدبیر و تصویب شده باشند. زنجیره ارزش جهانی به واسطه قابلیت انعطاف‌پذیری آن، می‌تواند در فضای تدبیر همکاری‌های پیش از تکانه موثر واقع شود.

اگر انعطاف‌پذیری را توسعه منابع تامین اقلام تولید به قیمت رقابتی در نظر بگیریم، نظام هماهنگی پیش از تکانه با ایجاد انعطاف‌پذیری و وابستگی متقابل کشورها و مناطق رابطه مستقیمی دارد. هر چه کشورها ایجاد انعطاف‌پذیری بیشتر در مناطق گسترده‌تری از حوزه حاکمیتی خود را در دستور کار قرار دهند (انعطاف‌پذیری افقی بیشتر) و در سطح بسیار محلی‌تر نیز در یک منطقه عمق انعطاف‌پذیری را بیشتر کنند، در نظام همکاری جایگاه رفیع‌تری خواهند یافت، اما مساله این است که در تکانه‌هایی از جنس همه‌گیری، ریسک انتقال ویروس از مرزها نیز بیشتر می‌شود. چاره کار قطعا بستن مرزها برای همیشه نیست. به ویژه در خصوص کشورهای در حال توسعه، بسیاری از آنها به تنهایی قادر به بسط انعطاف‌پذیری افقی و عمودی نیستند. لذا است که ایجاد همکاری‌های قبل از تکانه در نظام بین‌المللی و تعیین وظیفه برای یک نهاد مرجع در این زمینه اهمیت مضاعف می‌یابد. یافتن راهکارهایی جهت رفع محدودیت‌های اقتصاد سیاسی و ظرفیت‌های اجرایی از مهم‌ترین وظایف این نهاد مرجع است. کشورهای توسعه یافته نیز باید در نظر داشته باشند که تراز مثبت ذخایر ملی اقلام سلامت آنها برای عبور از تکانه ویروس به تنهایی کافی نیست و نقشی اساسی در شکل‌گیری نظام همکاری دارند.

تکانه‌های پشین اقتصاد جهانی، که در زنجیره تامین جهانی و اقتصاد تک تک کشورهای زنجیره اخلال وارد کرده‌اند مانند سونامی سال ۲۰۱۱ ژاپن یا بحران مالی سال ۲۰۰۸، مسبوق به

اصل مسلم حال حاضر آن است که هر چه محدودیت‌های صادراتی و نگاه حمایت‌گرایی تقویت شود، هزینه‌ها برای همه افزایش خواهد یافت اما توسعه زنجیره ارزش جهانی، سود حاصل از اقدامات هماهنگ را به شکل کاهش اثرات منفی تکانه برای همه کشورها بیشتر می‌کند.

سابقه و البته قابل تقسیم به تکانه‌های تقاضا و عرضه هستند. همه‌گیری کووید-۱۹ به طور همزمان تکانه‌ای از جنس عرضه و تقاضا است که به طور همزمان کشورهای بزرگ را درگیر کرده است. از آنجا که مشخص نیست تقدم سیاست‌های بهداشتی بر سیاست‌های اقتصادی در این همه‌گیری تا چه زمانی ادامه داشته باشد، تکانه عرضه که در واکنش به رفع بیماری از طریق افزایش فاصله نیروی کار در محیط تولید یا تعطیلی مراکز تجاری عمل می‌کند، ادامه‌دار خواهد بود. این نااطمینانی از زمان پایان، یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد تکانه کرونایی است. همزمان، تکانه تقاضا نیز در نتیجه کاهش تقاضای مورد انتظار به واسطه افزایش بیکاری، رکود اقتصادی، به تعویق افتادن خرید کالاهای بادوام و سرمایه‌گذاری اقتصادها را درگیر کرده است. امواج سرایت، ابتدا تکانه عرضه، به ویژه در چین، را باعث شدند و تکانه عرضه زمینه‌ساز تکانه‌های تقاضای بعدی در همه کشورها شد.

اثرگذاری تکانه کرونا بر کشورهای مختلف بسته جایگاه آنها در نظام اقتصاد و زنجیره ارزش جهانی متفاوت است. شناخت روابط رو به عقب و رو به جلوی کشورها در این زنجیره جهت توصیف اثرگذاری تکانه‌های عرضه و تقاضای کرونایی ضروری است. در سنجش اثرات این تکانه بخصوص، باید احتیاط نمود که در دام «بیش‌برآورد» با مقایسه تجربه‌های گذشته نیفتیم. در این پدیده جدید، تا کنون هیچ ظرفیت صنعتی بر خلاف تکانه‌های گذشته از بین نرفته است. از طرفی نباید اثرات آن را «کم‌برآورد» کرد. تکانه‌های منفی همزمان اثرات یکدیگر را تقویت می‌کنند و وابستگی متقابل کشورها و منطقه‌ها در زنجیره و محدودیت‌های رفت و آمد، همگی تجارت را با بحران جدیدی مواجه کرده‌اند. اصل مسلم حال حاضر آن است که هر چه محدودیت‌های صادراتی و نگاه حمایت‌گرایی تقویت شود، هزینه‌ها برای همه افزایش خواهد یافت اما توسعه زنجیره ارزش جهانی، سود حاصل از اقدامات هماهنگ را به شکل کاهش اثرات منفی تکانه برای همه کشورها بیشتر می‌کند.

امروز زنجیره‌های ارزش جهانی بر اثر جنگ تجاری انعطاف‌پذیری زیادی پیدا کرده‌اند و آماده مقابله با تکانه‌های خاص هستند، به عنوان مثال، کره‌جنوبی تولیدات سامسونگ را به کشور ویتنام با میزان مقاومت بیشتر اقتصادی در قبال کووید-۱۹ منتقل کرده و تنوع جغرافیایی را کلید انعطاف‌پذیری خود قرار داده است. آنچه مسلم است دور شدن از زنجیره ارزش جهانی مشکلی را حل نخواهد کرد بلکه باعث آسیب‌پذیری بیشتر کشورها در برابر تکانه‌های داخلی و خاص می‌شود. کووید-۱۹ نگرش ما را نسبت به باز بودن اقتصاد و جهانی شدن تغییر و روند جهانی‌شدن را تسریع خواهد نمود.

کشورهای در حال توسعه با تکیه بر تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بالاترین هزینه را در آینده در نتیجه تکانه کووید-۱۹ پرداخت خواهند کرد که البته این بده‌بستانی بین اقتصاد باز و اقتصاد بسته نیست، بلکه موضوعی بین بازده ایستا و پویا در مبحث رشد اقتصادی آنها است. جنس رشد بهره‌وری کشورهای در حال توسعه، با تعمیق یافتن در زنجیره ارزش جهانی، از نوع رشد بهره‌وری ایستا در قالب «نظام تولید به هنگام»[3] شده است که در آن ظرفیت‌های بیکار و موجودی انبارها به حداقل می‌رسد. به واقع، همین تمرکز بر بهره‌وری‌های ایستا بوده که رشد سریع کشورهای در حال گذار طی یک دهه گذشته را به بار آورده است. این رشد گرچه انعطاف‌پذیر، اما در قبال بحران کووید با چالش کارایی مواجه شده است. مساله اصلی کشورهای در حال توسعه در مواجه با بحران کووید-۱۹ یافتن تعادلی مناسب میان کارایی و انعطاف‌پذیری است. در چارچوب تجارت بین‌الملل و زنجیره ارزش جهانی، این مهم ممکن است دلالت بر تعدیل نقطه بهینه کارایی جهت رعایت اجبار به تفکیک ذخیره‌سازی بیشتر کالاهای حیاتی از کالاهای معمول و عدول از ساختار تولید بهنگام داشته باشد. اما بر اساس آنچه که تا کنون آشکار شده، بازگشت به حمایت‌گرایی و بستن مرزها جوابگو نخواهد بود.

منابع

1. American Economic Review
2. Ventilators
3. Just-In-Time Production (JIT)